نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۴
سال سی‌ام، زمستان ۱۴۰۱، صفحه ۱۴۵ - ۱۱۷

تحلیل فرآیند اثرگذاری بانک‌ها و مؤسسات خصوصی بر شاخص‌های کلان اقتصادی

حسین صمصامی
استادیارگروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی
h-samsami@sbu.ac.ir
هادی حقیقی
دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
hadi.haghighi@ut.ac.ir
امیرمسعود پلیمی
دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی
a_palimi@sbu.ac.ir
حسین عطاللهی
کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی
h.ataollahi72@gmail.com

بانک‌ها از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور هستند. امروزه یکی از سؤالات مطرح شده در اقتصاد ایران این است که آیا گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی که با هدف افزایش رقابت، کارایی و به‌طور کلی کمک به رشد اقتصادی ایجاد شده‌اند، توانسته‌اند در دستیابی به اهداف موردنظر موفق باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی بر تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اشتغال در ایران طی دوره (۴)۱۳۹۹- (۱)۱۳۸۰ انجام گرفته است. بدین منظور ابتدا شاخص مخصوص و مناسبی جهت بررسی اثرگذاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی ساخته شده است. در مرحله بعدی شاخص مذکور در کنار معادلات تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اشتغال و نقدینگی قرار گرفته و در چارچوب یک سیستم معادلات هم‌زمان به روش سیستمی SLS3 برآورد می‌گردد. سپس اثرات شاخص از دو کانال اثر نقدینگی و اثر تخصیصی سنجیده می‌شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که طی دوره مورد مطالعه شکل‌گیری و گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی اثر معناداری بر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اشتغال نداشته است.

طبقه‌بندی JEL: G21 , E20, G23.
واژگان کلیدی: بانک‌ها، تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، اشتغال، SLS۳، سیستم معادلات هم‌زمان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱ / ۸ / ۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱ / ۱۱ / ۲۰

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

۱. مقدمه

بانک‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی، وظایف مهمی را در اقتصاد به عهده دارند که شامل تجهیز سپرده‌ها، واسطه‌گری و تسهیل جریانات پرداخت، تخصیص اعتبارات و... است. در کشورهای کم‌تر توسعه یافته و اقتصادهای در حال‌گذار که دارای بازارهای مالی توسعه یافته نیستند، بانک‌ها عموماً تنها نهادهایی هستند که قادر به واسطه‌گری مالی بوده و می‌توانند با ارائه روش‌های گوناگون اعتباری به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری کمک کنند (صفری و رافتی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر ارتباط صحیح بین نظام‌های مالی و تولیدی در هر کشوری از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. همراه با توسعه اقتصادی، توسعه مداوم و رو به رشد صنعت اعتباردهی موجبات افزایش نقش ابزارهای اعتباری را به وجود آورده است. بانک‌ها به عنوان بخش اصلی نظام مالی، نقش اصلی را در تأمین مالی بخش‌های تولیدی و تجاری و مصرفی ایفا می‌کنند. در ایران نیز با توجه به ساختار اقتصادی و مالی کشور و توسعه نیافتگی بازار سرمایه، تأمین مالی در بخش‌های اقتصادی بیش‌تر بر عهده بانک‌های کشور می‌باشد (محقق نیا، دهقان و بائی، ۱۳۹۷).

با افزایش ضعف‌های عملکردی بنگاه‌های دولتی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، دولت‌ها و اقتصاددانان به سمت خصوصی‌سازی روی آوردند. نگرش غالب در این مورد این است که خصوصی‌سازی از طرق مختلف می‌تواند موجب بهبود کارآیی و عملکرد بنگاه‌های مختلف اقتصادی گردد. مهم‌ترین هدفی که خصوصی‌سازی در اکثر کشورها دنبال می‌کند، افزایش کارایی و بهبود عملکرد بنگاه‌های اقتصادی از طریق سپردن فعالیت‌های اقتصادی به مکانیزم خودسامان بخش بازار آزاد می‌باشد. طرفداران مکانیزم خودسامان بخش بازار معتقدند انتقال واحدهای اقتصادی از بخش دولتی به بخش خصوصی همراه با افزایش کارایی و بهبود عملکرد این واحدها است. این بهبود در اقتصاد تحت تأثیر عوامل متعدد و بی‌شماری است ازجمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها، افزایش رقابت و تغییر مالکیت می‌باشد. در سالیان اخیر واگذاری

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

بانک‌های دولتی به بخش خصوصی جزء برنامه‌های اصلی خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف دنیا قرار گرفته است. با توجه به نقش مهم بانک‌ها در سیستم اقتصادی کشورها و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در تسریع رشد و توسعه اقتصادی، دولت‌ها در تلاشند که با واگذاری مالکیت بانک‌ها در مرحله اول موجبات افزایش کارایی و بهبود شاخص‌های عملکردی بانک‌های واگذار شده و درنهایت تسریع در رشد اقتصادی کشور را فراهم کنند. بانک‌ها در جای خود به‌واسطه نقش کلیدی که در اقتصاد به عهده دارند، مهم هستند. بر اساس نظریه لوین[1] (۱۹۹۷)، ساختار مالکیت بانک‌ها و نقش بنیادی آن‌ها در اقتصاد ملی، یک متغیر حیاتی در فرآیند توسعه مالی و رشد اقتصادی است (لوین، ۱۹۹۷). وظیفه اصلی بخش بانکداری، تضمین این مسئله است که منابع و اعتبارات مالی به‌سوی فعالیت‌های با بهره‌وری و کارآمدی بیش‌تر هدایت شود تا به رشد آینده کمک کند (لوین، ۲۰۰۲).

تجربه‌های اقتصادی جهان به ویژه در دو دهه اخیر این مطلب را به اثبات می‌رساند که ثبات اقتصادی کشورها مدیون کارایی شاخص‌های بانکداری و ثبات مالی آن‌ها است. بحران‌های مالی، وجود شوک‌های نفتی و ارزی چند سال اخیر در اکثر کشورهای غربی و همچنین کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه گواهی بر این مدعا است. اهمیت یک سیستم مالی مناسب و کارآمد، هم بر سیاستمداران و هم بر اندیشمندان حوزه مالی پوشیده نیست (باقری و همکاران؛ ۱۴۰۱). یک سیستم مالی کارآمد به کاهش مشکل اطلاعات نامتقارن از طریق تولید اطلاعات و نظارت بر سرمایه‌گذاریها، توزیع ریسک، تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌ای و تسهیل مبادلات کمک می‌کند و از این طریق می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی بیفزاید (لواین، ۲۰۱۴). در مقابل، یک سیستم مالی ناکارآمد علاوه بر آنکه نمی‌تواند وظایف فوق را به درستی انجام دهد، با ورود یک بحران مالی، تبعات بسیار نامطلوبی بر ثبات اقتصادی بر جای خواهد گذاشت. لذا در دو دهه اخیر کارایی شاخص‌های بانکداری و ثبات مالی به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی مورد توجه بسیاری از سیاست گذاران و اندیشمندان واقع شده است. صنعت بانکداری یکی از

1. Levine

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور محسوب می‌شود که می‌تواند با ساماندهی و مدیریت مناسب منابع و مصارف خود زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم آورد. با توجه به ارتباط عملکرد نظام بانکی با بخش‌های کلان اقتصادی کشورها، هرگونه بی ثباتی و بحران در آن می‌تواند موجب نوسان و اختلال در متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه تولید شود. با وقوع بحران‌های مالی جهانی، متغیرهای کلان اقتصادی دچار تغییرات عمده‌ای می‌شوند به عنوان مثال با وقوع بحران Covid 19 ابتدا بازار نفت دچار نوسان شدید شد و قیمت نفت با افت محسوس و بی‌نظری مواجه شد. سپس بازار طلا دچار نوسان شد و این نوسانات بر ادوار تجاری کشورها تأثیر به‌سزایی داشت. حال در کشورهایی که به طور قابل توجهی وابسته به نفت و درآمدهای نفتی می‌باشند یا در سایر کشورها که واردات کننده نفت می‌باشند، شوکهای قیمت نفت می‌تواند تأثیر عظیمی بر ساختار اقتصاد جهانی داشته باشد. بر همین اساس بخش عمده‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورها مبتنی بر نوسانات متغیرهای مالی و بانکی در سطح جهانی صورت می‌پذیرد (دیوی و همکاران ۲۰۱۹، بیلدر ۲۰۱۹ و سیدنی و همکاران ۲۰۱۹).

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و در پی اتخاذ سیاست‌هایی در راستای کاهش مداخله دولت و اهتمام به فراهم‌سازی بسترهای لازم برای فعالیت هرچه بیش‌تر بخش خصوصی و ایجاد رقابت در اقتصاد، راهبرد خصوصی‌سازی به عنوان یکی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت (کمیجانی، ۱۳۸۲). به‌طوری که از دیدگاه طرفداران خصوصی‌سازی، این اقدام جزء منطقی تغییر مسیر استراتژی توسعه و تکیه بر مکانیسم بازار و افزایش بهره‌وری و کاهش اندازه بخش دولتی است. بخش بانکی نیز از این تحولات بی‌نصیب نبوده و موج گسترده‌ای از شکل‌گیری بانک‌های غیردولتی و خصوصی در این حوزه نیز طی دهه‌های اخیر مشاهده می‌شود.

در اقتصاد ایران نیز پس از تجربه نه‌چندان موفق ملی شدن بانک‌ها اجازه فعالیت بانک‌های خصوصی جهت فعالیت در سیستم بانکی با هدف رفع مشکلات نظام بانکداری ملی صادر شد. در این راستا و در قالب ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و در چارچوب ضوابط، قلمرو و شرایط تعیین شده، اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیردولتی به اشخاص حقیق و حقوقی داخلی داده شده است. حوزه اختیارات بانک‌ها در قالب ماده ۱۰ برنامه چهارم توسعه نیز فراتر گشته است، اما نگاهی کلی بر عملکرد بانک‌های غیر دولتی ایجاد شده بیانگر عدم تحقق اهداف تصریح شده مقام سیاست‌گذار پولی در قالب برنامه سوم توسعه می‌باشد. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در زمان ایجاد، ورود و توسعه بانک‌های خصوصی به اقتصاد ایران در کنار تصمیماتی که دولتمردان اتخاذ نمودند موجب شده تا بخش پولی و بانکی کشور با تأکید صرف بر سودهای کوتاه مدت و ایجاد استقلال از نیازهای بخش حقیقی اقتصاد، سبب حرکت جریان اعتباری به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی، ایجاد بی‌ثباتی، انباشت حجم بالای مطالبات غیرجاری و... شده که نتیجه آن ایجاد تضاد منافع بین سرمایه‌گذاری مالی و سرمایه‌گذاری صنعتی مورد نیاز برای اعتلای بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل متعدد از جمله مسائل سیاسی ناشی از انقلاب، متواری شدن بسیاری از سرمایه‌داران و مؤسسان بانک‌های خصوصی، کاهش دارایی‌های اکثر بانک‌ها به دلیل وصول نشدن مطالبات و اتکای بیش از حد بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی در تأمین نقدینگی موردنیاز، وضعیتی به وجود آمد که اکثر بانک‌ها با خطر ورشکستگی مواجه شده بودند (داوودی و صمصامی، ۱۳۸۸). لذا برای مقابله با چنین وضعیتی دولت اقدام به ملی کردن بانک‌ها، تصویب لایحه اداره امور بانک‌ها و ادغام بانک‌ها نمود. در سال ۱۳۷۹ و در راستای دستیابی به اهدافی نظیر بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف وجوه و افزایش کارایی بانک‌ها و در کل افزایش رشد اقتصادی، مجوز تأسیس بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری صادر شد و از سال ۱۳۸۰ شکل‌گیری بانک‌های خصوصی و غیردولتی آغاز شد. همچنین در پی اجرایی نمودن موضوع ماده (۲)، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و الزام دولت به واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات مالی، بانک‌های صادرات، ملت و تجارت از سال ۱۳۸۷ به بعد به بخش غیردولتی واگذار شدند. لذا به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

دنبال این تغییرات و شکل‌گیری قوانین و مقررات بود که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی در کنار بانک‌های دولتی شروع به فعالیت کردند. در حال حاضر تعداد ۸ بانک دولتی شامل: بانک ملّی ایران، بانک سپه، بانک توسعه صادرات ایران، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، پست بانک ایران و بانک توسعه تعاون و ۲۱ بانک غیردولتی شامل: بانک اقتصاد نوین، بانک پارسیان، بانک پاسارگاد، بانک کارآفرین، بانک سامان، بانک سینا، بانک سرمایه، بانک شهر، بانک دی، بانک صادرات، بانک ملت، بانک تجارت، بانک رفاه، بانک حکمت ایرانیان، بانک گردشگری، بانک ایران زمین، بانک قوامین، بانک انصار، بانک خاورمیانه، بانک مشترک ایران–ونزوئلا و بانک آینده و همچنین ۵ مؤسسه اعتباری غیر بانکی شامل: مؤسسه اعتباری توسعه، مؤسسه اعتباری کوثر، مؤسسه اعتباری ملل، مؤسسه اعتباری نور، مؤسسه اعتباری آرمان مشغول فعالیت هستند.[۱]

اکنون بیش از ۱۵ سال از تدوین مقررات بانکداری خصوصی و شکل‌گیری بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی می‌گذرد. در طی این مدت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی متعددی تأسیس شده‌اند و سهم بانک‌های دولتی از سیستم بانکی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. به عنوان مثال در شهریور ۱۳۹۵ سهم بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی از میزان تسهیلات ارائه شده به بخش غیردولتی تقریباً ۶۰ درصد و همچنین سهمشان از سپرده‌های بخش غیردولتی تقریباً ۷۰ درصد بوده است. این در حالی است که همواره در اقتصاد ایران رشد نقدینگی از رشد تولید بیش‌تر بوده و همواره این موضوع مطرح شده که بانک‌ها در هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد ناکارا بوده‌اند. بنابراین این بحث مطرح می‌شود که آیا گسترش بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری منجر به هدایت نقدینگی به سمت سرمایه‌گذاری در راستای افزایش تولید ناخالص داخلی و ایجاد اشتغال و در کل افزایش رشد اقتصادی شده است؟

---

۱. بر اساس مصوبات شورای پول و اعتبار و شورای عالی هماهنگی اقتصادی بانک‌های انصار، قوامین، حکمت ایرانیان، مهر اقتصاد و مؤسسه اعتباری کوثر از اوایل سال ۱۴۰۰ در بانک سپه ادغام شده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مؤسسات مالی از طریق جمع‌آوری سپرده‌های مازاد و تخصیص آن‌ها به سرمایه‌گذاران باعث افزایش ظرفیت‌های تولید اقتصادی جامعه، بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی می‌گردند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری که اصل آنها برای اطمینان سپرده‌گذاران تضمین شده است، در امور تولیدی و خدماتی ـ براساس عقود اسلامی و معاملات شخصی ـ به کار گرفته می‌شود و در پایان سال، سود ناشی از به کارگیری سپرده‌ها را براساس مدت و مبلغ سپرده دریافت می‌دارند. با توجه به این که این سپرده‌ها در مجموعه‌ای از فعالیت‌های تولیدی و تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، منجر به افزایش ظرفیت‌های تولید اقتصادی جامعه و افزایش رفاه عمومی می‌گردد.

اعطای تسهیلات بخش مهمی از عملیات هر بانک را تشکیل می‌دهد و این بخش از فعالیت‌های بانکی از لحاظ اقتصادی اهمیت به‌سزایی دارد. در واقع رشد و توسعه اقتصادی بدون افزایش کمّی عامل «سرمایه»، به عنوان یکی از عوامل تولید، ممکن نیست و چون برای تمامی اشخاص به دلایل مختلف مقدور نیست که در فعالیت‌های خود بتوانند از امکانات و منابع پولی شخصی جهت تأمین نیازهای موجود استفاده کنند. بنابراین ناگزیر برای استفاده از تسهیلات و منابع لازم به مؤسسات مالی و اعتباری که مهم‌ترین آن‌ها بانک‌ها هستند، مراجعه می‌کنند. بانک‌ها با عملیات اعتباری خود سبب می‌شوند تا مازاد منابعی که در اختیار اشخاص است و آنان به هر دلیلی توانایی به کارگیری آن را در پروژه‌های اقتصادی ندارند، از آنان به افرادی که ابتکار و خلاقیت و کارآفرینی دارند و فاقد سرمایه هستند، منتقل شود که از این طریق، تولیدات کشور نیز افزایش خواهد یافت (سررشته، ۱۳۹۲).

مؤسسات مالی و اعتباری نیز به عنوان یک نهاد مالی غیربانکی، مؤسساتی هستند که به عنوان واسطه وجوه در بازارهای مالی به فعالیت می‌پردازند. خدمات آن‌ها در بسیاری از زمینه‌ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها می‌باشد. این مؤسسات از طریق جذب انواع سپرده‌های مجاز بانکی و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص می‌دهند (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

با بررسی نحوه فعالیت و نقش مؤسسات اعتباری غیربانکی در اقتصاد، در نهایت این نتیجه حاصل می‌گردد، که این مؤسسات (مؤسسات مجاز از نظر بانک مرکزی ج.ا.ایران)، با وجود تفاوت اندکی که با بانک‌ها دارند، به عنوان مکمل بانک‌ها نقش مؤثری در پویایی و شکوفایی اقتصاد دارند و بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تورم و اشتغال تأثیرگذارند (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

در این مطالعه اثر گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی از طریق نسبت SST که نشان دهنده سهم بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی به دولتی است و تغییرات آن بیانگر تأثیر آن‌ها بر متغیرهای کلان مورد مطالعه در تحقیق حاضر است. این نسبت به صورت زیر تعریف شده است:

$$SST= \frac{\text{«تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی»}}{\text{«تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی»}}$$

در این مطالعه از متغیرهای تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اشتغال برای سنجش اثرگذاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی استفاده شده است. برای نیل به اهداف پژوهش نیاز به متغیری است که به عنوان شاخص بتواند اثرات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی بر متغیرهای واقعی مذکور را بسنجد. از این‌رو در مطالعه حال حاضر از نسبت گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی بهره گرفته خواهد شد.

در ادامه این نسبت در معادلات شاخص‌های کلان اقتصادی به عنوان متغیر توضیحی در نظر گرفته خواهد شد. این نسبت اثر خود را از دو کانال نقدینگی به طور غیرمستقیم و کانال تخصیصی به طور مستقیم بر متغیرهای کلان می‌گذارد.

برای بررسی آثار شاخص گفته شده لازم است یک الگوی اقتصاد کلان در نظر گرفته شود تا بتوان در قالب این الگو نتایج مورد نظر را به دست آورد، لذا در این مطالعه از یک الگوی اقتصاد سنجی کوچک‌مقیاس استفاده شده است که در ادامه به معرفی جزئیات این الگو پرداخته می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

جهت مطالعه اثر گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی بر متغیرهای کلان اقتصادی مورد بررسی از مکانیسم‌های گفته شده نیاز به تدوین یک الگوی مناسب تحلیلی برای اقتصاد ایران می‌باشد. این الگوی دارای دو بخش عرضه کل و تقاضای کل است. الگوی اقتصاد سنجی کلان مورد استفاده در این پژوهش با اتکا به مقاله گلیفاسون و رادتزکی (۱۹۹۱)[1]، تصریح شده است. مزیتی که الگوی گلیفاسون و رادتزکی دارد این است که این الگو برخلاف بسیاری از الگوهای به کار برده شده در مطالعات داخلی، برای یک کشور در حال توسعه طراحی شده است. در استفاده از الگوی کلان و متغیرهای اقتصادی مورد نظر جهت برآورد الگو سعی شده است که مفروضات الگوی کلان مشابه شرایط اقتصاد ایران طراحی و انتخاب شود تا بدین طریق بتوان اثر شکل‌گیری و گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی از مکانیسم‌های تخصیصی و نقدینگی بر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به توضیح بیش‌تر اجزاء و شیوه کاربرد الگوی اقتصاد سنجی کلان گفته شده پرداخته می‌شود.

عرضه کل

فرض می‌شود که تولید کل واقعی (Q) با استفاده از دو عامل تولید؛ نیروی کار داخلی (L) با دستمزد اسمی (W) و نهاده‌های وارداتی (N) با قیمت (R) برحسب پول خارجی و نرخ ارز ثابت (e قیمت یک واحد پول خارجی برحسب پول داخلی)، تولید می‌شود.

$$Q=Q(L,N) \qquad (۱)$$

$$\frac{\partial Q}{\partial N}=Q_N > 0$$

$$\frac{\partial Q}{\partial L}=Q_L > 0$$

$$Q_{nn} < 0 \ , \ Q_{LL} < 0$$

1. Gylfason and Radetzki

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

این تابع دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. تولید نهایی عوامل مثبت است

۲. عوامل تولید با بازدهی نزولی مواجه‌اند

۳. عوامل تولید جانشین یکدیگرند

از آنجایی که محدودیت ارزی در اقتصاد، یکی از ویژگی‌های مهم اقتصاد ایران است، منحنی عرضه کل با فرض وجود محدودیت ارزی استخراج می‌شود. علت اثبات روابط مابین عرضه و تقاضای کل در مقاله حاضر توجیه نظری و کاربردی متغیرهای تحقیق در ورود به مدل‌های برآوردی است. با توجه به اینکه فرم حل شده مدل توسط نرم افزار ایویوز ۱۲ محاسبه می‌گردد از ارائه و اثبات روابط خود داری به عمل آمده است. مدل‌سازی عرضه و تقاضای کل بازار که روابط مابین شاخص‌های کلان اقتصادی و بخش بانکی و مالی را با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران ارائه می‌کند در ادامه ارائه شده است.

استخراج عرضه کل با محدودیت ارزی: در این شرایط توابع تقاضای نهاده با حداکثر کردن تابع سود به صورت زیر استخراج می‌گردد (صمصامی، ۱۳۷۸):

$$\text{Max } \pi = P.Q - W.L - RN \qquad (۲)$$

$$S.t: \beta_0.\bar{q} = R.N$$

محدودیت‌ارزی

که در آن $\bar{q}$ میزان درآمدهای ارزی (محدودیت ارزی) و β_0 نسبت درآمدهای ارزی اختصاص یافته به واردات نهاده‌های تولیدی است.

تابع لاگرانژ

$$\mathcal{L} = P.Q - W,L - R.e.N + \lambda(\beta_0.\bar{q} - R.N)$$

$$\frac{\partial \mathcal{L}}{\partial L} = P\frac{\partial Q}{\partial L} \qquad (۳)$$

$$\frac{\partial \mathcal{L}}{\partial N} = P\frac{\partial Q}{\partial N} - R.e - \lambda.R = 0 \qquad (۴)$$

$$\frac{\partial \mathcal{L}}{\partial \lambda} = \beta_0.\bar{q} - R.N = 0 \qquad (۵)$$

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

با استفاده از شرایط مرتبه اول مقادیر L و N به دست می‌آید.

$$N = \frac{\beta 0.\bar{q}}{R} \qquad (۶)$$

$$N = L(\frac{W}{P}, \beta 0 \frac{\bar{q}}{R}) \quad , \lambda = \lambda (\frac{W}{P}, \beta 0 \frac{\bar{q}}{R}) \qquad (۷)$$

با جای‌گذاری معادلات (۶) و (۷) در معادله (۱)، خواهیم داشت:

$$Q = Q (\frac{W}{P}, \beta 0 \frac{\bar{q}}{R}) \qquad (۸)$$

$$\frac{\partial Q}{\partial \bar{q}} > 0 \quad , \quad \frac{\partial Q}{\partial (\frac{W}{P})} < 0 \qquad (۹)$$

تولید ناخالص داخلی حقیقی از اختلاف بین تولید کل از نهاده‌های داخلی واقعی به دست می‌آید.

$$GDP = Y = Q - \frac{eRN}{P}$$

به‌جای N در معادله (۵) رابطه (۶)، جایگزین می‌شود.

$$GDP = Y = Q - (e \frac{\beta 0 \bar{q}}{P}) \qquad (۱۰)$$

با استفاده از معادلات (۸) و (۹) برحسب سطح عمومی قیمت‌ها، تابع عرضه کل اقتصاد به دست می‌آید:

$$P = P (e , \frac{\beta 0 \bar{q}}{r} , W , Y) \qquad (۱۱)$$

در این تابع خواهیم داشت:

$$\frac{\partial P}{\partial e} > 0 , \frac{\partial P}{\partial W} > 0 , \frac{\partial P}{\partial Y} > 0$$

تقاضای کل

در طرف تقاضای اقتصاد معادله اصلی تقاضای کل عبارت است از:

$$Y = C + IP + G + X - [Z + (\frac{e.R}{P})N]$$

$$\Rightarrow Y = E + X - [Z + + (\frac{e.R}{P})N] \qquad (۱۲)$$

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

که در آن E مخارج کل (شامل مصرف خصوصی (C)، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (IP) و مخارج دولت (G)، Z واردات کالاهای مصرفی نهایی، N واردات نهاده‌های تولیدی و X صادرت است. فرض می‌شود مخارج کل تابعی از تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، حجم پول و مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت است. تابع مخارج کل عبارت است از:

$$E = E(Y, M, G) \qquad (۱۳)$$

در اقتصاد ایران درآمدهای ارزی هر دو متغیر حجم پول و مخارج دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.[۱] افزایش درآمدهای ارزی می‌تواند ذخایر ارزی بانک مرکزی و در نتیجه پایه پولی را افزایش دهد. این امر منجر به افزایش عرضه پول و مخارج کل در اقتصاد می‌گردد. برای مشخص کردن این تأثیرگذاری، رابطه کلی عرضه پول به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود.

$$M = mt.B \qquad (۱۴)$$

که در رابطه فوق M عرضه پول، mt ضریب فزاینده پولی و B پایه پولی هستند؛ البته این رابطه را می‌تواند برحسب اجزای پایه پولی نیز نوشت:

$$M = mt\ (NFA + NGD + DBS + NO) \qquad (۱۵)$$

که در این رابطه NFA خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، NGD خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، DBS مطالبات بانک مرکزی از سیستم بانکی و NO خالص سایر دارایی‌های بانک مرکزی هستند. هر یک از اجزای پایه پولی را نیز می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$NFA = NFA_{t-1} + \alpha e\bar{q}$$
$$NGD = NGD_{t-1} + NGDO + \lambda(e\bar{q}\,\theta)$$

---

۱. همان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

که در این رابطه λ خود به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\lambda = \frac{dNGD}{de\bar{q}\,\theta}$$

انتظار بر آن است که با افزایش درآمدهای ارزی ($\bar{q}$) ضمن افزایش درآمدهای دولت، خالص بدهی دولت به بانک مرکزی کاهش یابد. در عبارت فوق NFA_{t-1} خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در دوره قبل، α نسبتی از درآمدهای ارزی که به ذخایر ارزی اضافه می‌شود، NGDt-1 خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در دوره قبل، NGDO خالص سایر بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و θ سهم درآمدهای ارزی دولت از کل درآمدهای کشور می‌باشد. با جایگذاری عبارت فوق در رابطه (۱۵) و ایجاد کمی تغییرات در آن خواهیم داشت:

$$M = M_0 + mt\left[\alpha - \lambda\,\theta\right] e\bar{q} \qquad (۱۶)$$

$$M = \left[NFA_{t-1} + NGD_{t-1} + NGDO + DBS + NO \right]$$

همچنین فرض می‌شود که مخارج دولت عمدتاً از طریق مالیات، فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت و کسری بودجه (BD) تعرف شود. بدین ترتیب رابطه مخارج دولت به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$G = T + e\bar{q}\,\theta + BD \qquad (۱۷)$$

در مورد صادرات ذکر این نکته کافی می‌باشد که صادرات به دو بخش صادرات نفتی و صادرات غیرنفتی تقسیم می‌شود. ارزش دلاری صادرات نفتی مستقل از نرخ ارز می‌باشد و میزان آن به سهمیه تعیین شده توسط اوپک بستگی دارد. فرض می‌شود که صادرات غیرنفتی تابعی از نرخ ارز و درآمد کشورهای خارجی است:[۱]

---

۱. گرچه در این رابطه فرض بر آن است که افزایش نرخ ارز واقعی صادرات غیرنفتی را افزایش می‌دهد؛ اما از آنجایی که سهم صادرات غیرنفتی از کل درامدهای ارزی نیز بر اساس فرض نسبتاً اندک است (کم‌تر از ۱۲ درصد)، لذا این افزایش تأثیر معناداری بر کل صادرات و درآمدهای ارزی نخواهد داشت.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

$$X_1 = \alpha_3 \frac{e}{P} \bar{q} + X(\frac{e}{P}, Y^*) \quad (۱۸)$$

در معادله فوق α_3 سهم درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت از کل درآمدهای ارزی، X صادرات غیرنفتی و Y^* درآمد ملی کشور طرف تجاری است. با توجه به توضیحات قسمت اول بیش از ۸۰٪ از واردات کشور را نهاده‌های وارداتی شامل مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد (توتونچی ملکی، ۱۳۸۵). علاوه بر این در قسمت عرضه کل، تابع تقاضای نهاده وارداتی در شرایط محدودیت ارزی به صورت زیر استخراج گردید:

$$N = \frac{\beta_0 \bar{q}}{R}$$

لذا با توجه به مطالب بالا تابع کل واردات را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$IM = Z + \frac{R.e}{P}.N \quad (۱۹)$$

فرض می‌شود که واردات کالاهای نهایی تابع مستقیمی از مخارج داخلی و تابع منفی از نرخ ارز حقیقی باشد.

$$Z = Z(\frac{E}{P}, \frac{e}{P}) \quad (۲۰)$$

با جای‌گذاری تابع فوق و تقاضای نهاده برحسب محدودیت ارزی در رابطه (۱۹)؛ تابع زیر به دست می‌آید:

$$IM = Z(\frac{E}{P}, \frac{e}{P}) + \frac{\beta_0 e \bar{q}}{P} \quad (۲۱)$$

در نهایت تابع تقاضای کل به صورت زیر خواهد بود (احمدلو، ۱۳۹۲):

$$Y^D = C + I + G + X - IM$$
$$\Rightarrow Y^D = E + X - IM \quad (۲۲)$$

با در نظر گرفتن شرایط تعادل خواهیم داشت:

$$Y^S = Y^D$$

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

همان‌گونه بیان شد، برای بررسی اثر گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی بر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی یک شاخص تعریف می‌شود. این شاخص که نشان دهنده رشد نقش آفرینی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی است، به طور کلی از طریق دو مکانیزم تخصیصی و نقدینگی می‌تواند هدف هدایت اعتبار و منابع مالی به سمت فعالیت‌های کارا و تولیدی را محقق سازد. مکانیزم تخصیصی با بهینه‌سازی روش‌های تخصیص اعتبارات، تضمین می‌کند که نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی و کارا خواهد رفت و متغیرهای مولد اقتصاد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بانک‌ها با ارائه تسهیلات، حرکت به سمت تخصصی شدن تولیدات، تأمین بخشی از نیاز مالی واحدهای تولیدی اقتصادی و تشویق به دریافت و حرکت به سمت تکنولوژی‌های جدید را به تولیدکنندگان نوید می‌دهند. سهمیه‌بندی و تخصیص بهینه اعتبارات و تسهیلات بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند به عنوان یک ابزار سیاست پولی مناسب، اقدام به جهتدهی اعتبارات به سمت بخش‌های اقتصادی نماید که مطلوبیت بیش‌تری برای نظام بانکی کشور ایجاد می‌نمایند (لوین؛ ۲۰۰۲؛ مشکین ۲۰۱۷). مکانیزم اثر نقدینگی نیز با شکل‌گیری رقابت و از طریق افزایش تسهیلات‌دهی و اثرگذاری بر تحریک نقدینگی، موجبات خلق پول و گسترش نقدینگی را فراهم خواهد ساخت.

در ادامه نتایج مطالعات انجام شده در راستای تحقیق حاضر پرداخته شده است.

باقری و همکاران (۱۴۰۱) با به‌کارگیری مدل گشتاور تعمیم یافته سیستمی (SGMM) و داده‌های تابلوئی پویا (PANEL VAR) به بررسی تأثیر شاخص‌های کلان بانکی، مالی، اقتصادی و بحران‌های اقتصادی بر ادوار تجاری کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۳ ۱۳۹۸_۱۳۹۲ می‌پردازد. در این مقاله به تأثیر متغیرهای مستقل (ریسک نقدینگی، نرخ بازده دارائی‌ها، نرخ کفایت سرمایه و...) بر ادوار تجاری در کشورهای منتخب از طریق متغیر شکاف تولید با به‌کارگیری فیلتر هادریک پرسکات پرداخته شده است که نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها مبین آن است که متغیرهای ریسک نقدینگی، نرخ رشد تسهیلات اعطایی و بحران‌های مالی تأثیر منفی بر شکاف تولید داشته، در حالی‌که نرخ بازده دارائی‌ها، نرخ کفایت سرمایه، قیمت نفت خام، نرخ ارز و توسعه بازارهای مالی اثرگذاری منفی بر ادوار تجاری کشورهای منتخب برجای گذاشته‌اند. مؤمنی و

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تحلیل تأثیرپذیری عملکرد اقتصادی ایران از فعالیت بانک‌های خصوصی با روش ARDL پرداختند. بر اساس نتایج توسعه مالی بر رشد اقتصادی ایران مثبت بوده که به معنای این است که با بهبود توسعه مالی و روان‌سازی تسهیلات، تولید در کشور افزایش یافته است. اما در خصوص بحث بانکداری خصوصی و اثر آن بر رشد اقتصادی باید گفت، که با افزایش سهم بانک‌داری خصوصی از تسهیلات، که به عنوان شاخصی از حضور و سهم بانک‌داری خصوصی در نظر گرفته شده، تولید کاهش یافته است. فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران با رویکرد GMM پرداختند. بر اساس نتایج تمامی متغیرهای توضیحی مورد استفاده در مدل اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. هم‌چنین مؤسسات مالی بانکی در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی اثر بیش‌تری بر رشد اقتصادی دارند. ابوترابی (۱۳۹۴) به بررسی اثر مالکیت دولتی بانک‌ها بر رابطه علی توسعه مالی- رشد اقتصادی در ایران با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری (VECM) پرداختند. نتایج بیانگر این واقعیت است بخش مالی دولتی در مواجهه با بخش واقعی منفعل است. بادیزدی و سهرابی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بانک‌ها بر عملکرد مالی با استفاده از مطالعه نسبت‌های مالی و حسابداری پرداختند. بر اساس نتایج عملکرد بانک‌ها بعد از خصوصی‌سازی بهبود یافته است. خانزاده (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) پرداخته است. بر اساس نتایج اثر مثبت مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران مورد تأیید قرار گرفته است. شهیکی تاش و اعزازی (۱۳۹۳) به بررسی خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر بهبود عملکرد و رشد اقتصادی توصیفی و تحلیل داده‌های بانکی خصوصی‌سازی پرداخته است. بر اساس نتایج به‌خودی خود برای افزایش کارایی کافی نیست و واگذاری حوزه‌های تصمیم‌گیری اهمیت دارد. صادقی و احمدی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر بانک‌های خصوصی بر کارایی اقتصادی صنعت بانکداری ایران با استفاده از سنجش عملکرد و کارایی اقتصادی بانک‌ها و با مدل تحلیل پوششی داده‌های تصادفی بانک‌های خصوصی اثرگذاری آن‌چنانی بر کارایی اقتصادی نداشته‌اند. طیبی و صامتی (۱۳۸۸) به بررسی اثر خصوصی‌سازی بانک‌ها

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

بر رشد اقتصادی با استفاده از روش‌های ARDL و ECM پرداختند. براساس نتایج اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اثربخشی مثبت خصوصی‌سازی بانک‌ها بر رشد اقتصادی کشور به‌خصوص در بلندمدت دارد. همتی (۱۳۸۷) به بررسی نقش مؤسسات مالی و اعتباری در اقتصاد ایران با رویکرد ARDLپرداختند. بر اساس نتایج مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان مکمل بانک‌ها نقش مؤثری در پویایی و شکوفایی اقتصاد دارند. خارقانی (۱۳۸۳) به بررسی نقش مؤسسات مالی و اعتباری در رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد ARDL پرداختند. به بررسی نقش مؤسسات مالی در رشد اقتصادی از لحاظ تجربی و نظری پرداخته است. بر اساس نتایج مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان عوامل مؤثر در رشد اقتصادی نام برده‌اند. روشچیشین و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی توسعه بخش بانکی و شناسایی علیت بین بخش بانکی و رشد اقتصادی با استفاده از مؤلفه‌های اصلی و خود رگرسیون برداری پرداختند. بر اساس نتایج علیت دو طرفه‌ای میان متغیرهای تحقیق وجود دارد. نگوین (۲۰۲۲) به بررسی نقش سیستم بانکی در رشد اقتصاد ویتنام با تکنیک ARDL پرداختند. یافته‌های تجربی بیانگر تأثیر بلندمدت مثبت توسعه بانکی بر رشد است. یافته‌های تجربی همچنین نشان‌دهنده یک اثر غیرخطی است. این یافته نشان می‌دهد که گسترش اعتبار بانکی باید به دقت کنترل شود تا با ظرفیت جذب سرمایه اقتصاد سازگار باشد. یاسینسکا (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بانک‌ها و رشد اقتصادی با رویکرد خود رگرسیون برداری پرداختند. بر اساس نتایج توسعه بانک‌ها بر رشد اقتصادی اکراین تأثیر معناداری دارد. زتزچه و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بانک‌ها و رشد اقتصادی با رویکرد خود رگرسیون برداری ساختاری پرداختند. بر اساس نتایج بخش بانکداری الکترونیکی بیش از سایر بخشهای توسعه بانکی بر رشد اقتصادی اثرگذار است. واسیلتسیو و چرکاسووا (۲۰۱۶) به بررسی پتانسیل بانک‌ها جهت ایجاد رشد اقتصادی با استفاده از میانگین گیری بیزین پرداختند. بر اساس نتایج بخش بانکی از ابزارهای مالی فعلی در تحریک توسعه پایدار کشور است. القول و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بانک‌ها و رشد اقتصادی در اردن با استفاده از خود رگرسیون برداری پرداختند. بر اساس نتایج بانک‌ها بر رشد اقتصادی اردن تأثیر معناداری دارند. برکوویتز و هاکسترا (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بانک‌ها و اثرات مالی و اقتصادی آن بر رشد اقتصادی روسیه به صورت آماری و پرسش‌نامه‌ای و با برآورد چندین رگرسیونی نمودند. بر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

اساس نتایج خصوصی‌سازی بانک‌ها باعث افزایش میزان وام‌دهی شده است، اما به‌تبع آن رشد اقتصادی افزایش نیافته است. کاپورال (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا با استفاده از رویکرد پانل دیتا پرداختند. آن‌ها دریافتند که بازارهای سهام و پول هنوز در این کشورها توسعه نیافته هستند و سهم آن‌ها در رشد اقتصادی محدود است. برگر و کلارک (۲۰۰۴) به بررسی بررسی اثرات مالکیت دولتی و خصوصی بر عملکرد بانک‌ها آرژانتین پرداخته‌اند. بر اساس نتایج رتبه‌های کارایی و نسبت‌های مالی بانک‌های خصوصی شده عملکرد بهتری داشته‌اند. بنین و همکاران (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر انواع مالکیت‌ها (دولتی، خصوصی و خارجی)، بر عملکرد بانک‌ها ۶ کشور در حال انتقال از سیستم دولتی به آزاد، شامل بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مجارستان، لهستان و رومانی پرداختند. بر اساس نتایج اطلاعات مالکیتی و نسبت‌های مالی سودآوری بانک‌های خارجی، بیش از بانک‌های خصوصی و بانک‌های خصوصی بیش از بانک‌های دولتی می‌باشد. لاپورتا و شلایفر (۲۰۰۲) به بررسی مالکیت بانک‌ها و تأثیر آن بر سیستم‌های مالی، نرخ رشد اقتصادی و بهره‌وری (۹۲ کشور) با استفاده از رویکرد توصیفی پرداختند. بر اساس نتایج داده‌های مالی مالکیت دولت بر بانک‌ها موجب کند شدن توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی شده‌اند. بهاتاچاریا و لاول (۱۹۹۷) به بررسی اثر آزادسازی بر بهره‌وری تولیدی بانک‌های تجاری هند با استفاده از تجزیه و تحلیل پوششی داده‌ها نمودند. براساس نتایج محاسبات نمرات بهره‌وری فنی بانک‌ها کارایی بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی و در ارتباط با ارائه سرویس‌های مختلف مالی به مشتریان، در سطح مطلوب‌تری قرار دارد. بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق ارائه شده فرضیات تحقیق به شرح ذیل است:

- مابین گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی و تولید ناخالص داخلی رابطه معناداری وجود دارد.
- مابین گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی رابطه معناداری وجود دارد.
- مابین گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی اثر مثبتی بر اشتغال رابطه معناداری وجود دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

۳. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و بدین منظور از داده‌های سری زمانی و داده‌های نشریات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار و گمرک ایران استفاده می‌شود. قلمرو مکانی پژوهش مربوط به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی کشور ایران است و داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش به صورت فصلی و در بازه زمانی ۱۹ ساله ۱۳۸۰تا ۱۳۹۹ (۷۶ مشاهده برای هر متغیر) جمع‌آوری شده است. علت انتخاب داده‌های فصلی در این پژوهش این است که تغییرات کوتاه‌مدت در این‌گونه داده‌ها به نحو بهتر و بارزتری قابل مشاهده هستند. همچنین بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ نیز به این دلیل انتخاب شده است که خصوصی‌سازی بانک‌ها در این دوره آغاز شده است.

معادلات رفتاری الگو

تابع عرضه کل	$PGDP = f(EXR, BQR, W, GDP)$
تابع اشتغال	$EMP = f(LIQ^{0}, GDP, K, W, SST)$
تابع مصرف	$C = f(YD, LIQ^{0})$
تابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	$IP = f(LIQ^{0}, GDP, G, INF, SST)$
تابع صادرات غیرنفتی	$X = f(\frac{EXR}{P}, Y^{*})$
تابع واردات	$IM = f(E, \frac{EXR}{P})$
تابع نقدینگی	$LIQ^{0} = f(BD, SST, GDP, INF, R, RRE1)$

روابط اتحادی

تولید ناخالص داخلی	$GDP_S = Q - (EXR.BQR)$
تقاضای کل	$GDP = E + RX_1 - RIM$
مخارج کل	$E = C + IP + G$
صادرات	$X_1 = XO\$ + X(\frac{EXR}{P}, Y^{*})$
صادرات ریالی	$RX_1 = X_1(\frac{e}{P})$
واردات ریالی	$RIM = IM\ (\frac{e}{P})$

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

که در سیستم معادلات فوق: PGDP شاخص تعدیل‌کننده ضمنی GNP به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، GDP تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، IP سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، EMP اشتغال کل کشور، Q تولید کل کشور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، LIQ0 رشد از حجم نقدینگی اسمی، C هزینه‌های مصرفی خصوصی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، INF نرخ تورم، E مخارج کل به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، *Y تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OECD، G مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، K موجودی سرمایه خالص کشور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، W حداقل مزد اسمی ماهانه، YD درامد قابل تصرف به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، EXR نرخ ارز اسمی در بازار آزاد، $\frac{EXR}{P}$ نرخ ارز حقیقی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، IM واردات کل دلاری، BQR واردات دلاری نهاده‌های تولیدی، EXR.BQR واردات ریالی نهاده‌های تولیدی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، X_1 صادرات کل دلاری، RX_1 صادرات کل ریالی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، X صادرات غیرنفتی دلاری، XO$ صادرات نفتی دلاری، RRE1 نرخ ذخایر قانونی مؤثر، SST شاخص بررسی اثر گسترش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی و R نرخ بهره می‌باشند. زمانی که در برآورد الگو چند متغیر وابسته باشد که بین آن‌ها وابستگی متقابل وجود دارد از سیستم معادلات هم‌زمان استفاده می‌شود. لذا در برآورد الگو بیش از یک معادله وجود دارد. یک مشخصه منحصربه‌فرد الگوی معادلات هم‌زمان این است که متغیر وابسته در یک معادله، به عنوان متغیر توضیحی در معادله دیگر از سیستم لحاظ می‌شود؛ بنابراین متغیرهای وابسته معمولاً جزء اخلال معادله‌ای که در آن به عنوان متغیر توضیحی وارد شده‌اند دارای همبستگی می‌باشند. لذا این مسئله به معنای نقض فروض کلاسیک است زیرا معادلات از یکدیگر تبعیت می‌کنند. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که تخمین زننده‌های OLS[1] بدون تورش و سازگار نخواهند بود. به طور کلی دو روش برای تخمین معادلات ساختاری یک الگو وجود دارد: روش تک معادله‌ای[2] که روش‌های با اطلاعات محدود نیز نامیده می‌شوند و روش‌های سیستمی[3] که به آن‌ها روش‌های با اطلاعات کامل هم گفته

1. Ordinary least squares
2. Single-equation Methods
3. System Methods

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

می‌شود. روش‌های تک معادله‌ای شامل روش حداقل مربعات غیرمستقیم[1]، روش حداقل مربعات دومرحله‌ای، برآوردکننده حداکثر درست نمایی با اطلاعات محدود[2] و یا شکل دیگری از آن روش کم‌ترین نسبت واریانس می‌باشد. ازجمله روش‌های سیستمی نیز می‌توان به روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) و روش برآوردکننده حداکثر درست نمایی با اطلاعات کامل[3] اشاره نمود. برای درک ماهیت دقیق الگوهای هم‌زمان باید روش‌های سیستمی را به کار برد. علاوه بر مزایای روش‌های سیستمی یکی از معایب این روش‌ها این است که اگر در یک یا چند معادله الگوی خطای تصریحی (مانند شکل تبعی نادرست یا حذف متغیرهای مهم) وجود داشته باشد، این خطا به بقیه سیستم هم منتقل می‌شود و در نتیجه روش‌های سیستمی نسبت به خطای تصریح بسیار حساس می‌باشند. کارکرد آماری روش 2SLS در رابطه با نمونه‌های با حجم بزرگ است. هنگامی‌که هیچ‌گونه متغیر درون‌زای با وقفه وجود نداشته باشد، تخمین زن‌های ضرایب به روش 2SLS سازگار هستند.

۴. برآورد مدل

در این بخش نتایج حاصل از برآورد الگوی اقتصاد سنجی کلان در چارچوب یک سیستم معادلات هم‌زمان برای داده‌های فصلی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ ارائه می‌شود. قبل از برآورد مدل بر اساس آزمون HEGY که جهت بررسی مانایی در داده‌های فصلی کابرد دارد اقدام به بررسی مانایی داده‌های تحقیق نموده‌ایم. در این حالت از دو نوع هگی جهت برآورد مدل بهره گرفته شده است. نوع اول که به آزمون هگی کلاسیک معروف بوده و نوع دوم برای زمانی که احتمال وجود ناهمسانی و نااطمینانی در سری مربوطه وجود دارد مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج مشاهده می‌گردد که تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز در حالت ناهمسانی واریانس مانا نمی‌باشند.

1. Indirect Least Squares (ILS)
2. Limited Information Maximum Likelihood (LIML)
3. Full Information Maximum Likelihood (FIML)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

جدول ۱. آزمون مانایی فصلی هگی

نوع آزمون	مدل هگی کلاسیک (هلبرگ، انگل، گرنجر، یو)				شاخص نسبت واریانس هگی (تیلور)			
متغیر	مقدار آماره آزمون (تناوب صفر)	مقدار آماره آزمون (تناوب ۶ ماه)	مقدار آماره آزمون (تناوب سالانه)	نتیجه کلی	مقدار آماره آزمون (تناوب صفر)	مقدار آماره آزمون (تناوب ۶ ماه)	مقدار آماره آزمون (تناوب سالانه)	نتیجه کلی
EXR	-۳/۶۷	-۵/۱۱	۱۲/۱۷	مانا	-۱/۶۵	-۱/۳۲	۲/۶۷	نامانا
BQR	-۳/۴۴	-۴/۳۴	۸/۱۱	مانا	-۳/۵۹	-۳/۹۹	۸/۳۵	مانا
W	-۳/۸۸	-۵/۰۷	۱۲/۰۵	مانا	-۴/۹۵	-۳/۸۴	۶/۳۱	مانا
Yd	-۴/۳۵	-۳/۰۳	۹/۳۳	مانا	-۵/۳۸	-۴/۳۲	۴/۳۸	مانا
G	-۵/۰۵	-۳/۸۱	۷/۳۴	مانا	-۴/۱۹	-۴/۰۹	۶/۳۲	مانا
INF	-۴/۴۲	-۴/۳۳	۶/۸۸	مانا	-۱۰/۴۳	-۳/۶۲	۳/۹۳	مانا
CPI_OECD	-۳/۹۴	-۶/۰۱	۱۰/۳۴	مانا	-۵/۰۲	-۵/۸۸	۴/۸۲	مانا
Y_OECD	-۳/۷۴	-۳/۹۴	۵/۸۴	مانا	-۴/۱۴	-۷/۳۲	۵/۴۴	مانا
RR	-۳/۸۹	-۳/۰۲	۶/۰۲	مانا	-۵/۲۲	-۳/۸۲	۶/۹۹	مانا
BD	-۵/۳۲	-۵/۱۵	۵/۳۷	مانا	-۳/۰۴	-۴/۱۲	۹/۰۳	مانا
Xoil$	-۶/۳۵	-۴/۳۸	۴/۸۵	مانا	-۳/۶۲	-۳/۷۲	۷/۳۴	مانا
PGDP	-۵/۰۹	-۶/۱۹	۷/۴۳	مانا	-۳/۸۳	-۶/۳۵	۶/۴۴	مانا
GDP	-۳/۸۸	-۳/۶۷	۶/۳۲	مانا	-۳/۶۷	-۱/۰۴	۱/۸۴	نامانا
EMP	-۸/۰۵	-۳/۷۳	۵/۷۲	مانا	-۴/۳۹	-۴/۴۲	۶/۰۹	مانا
LIQ0	-۶/۷۴	-۶/۸۳	۶/۳۳	مانا	-۶/۸۱	-۹/۴۲	۸/۳۴	مانا
SST	-۶/۰۹	-۷/۰۴	۸/۴۵	مانا	-۴/۷۴	-۶/۰۸	۵/۳۲	مانا
CU	-۳/۷۵	-۵/۳۰	۶/۳۱	مانا	-۷/۰۷	-۵/۲۸	۱۰/۴۲	مانا
IP	-۳/۵۳	-۴/۵۸	۷/۰۴	مانا	-۵/۳۲	-۷/۴۹	۱۱/۳۷	مانا
XNO$	-۵/۶۷	-۵/۵۵	۹/۹۳	مانا	-۳/۹۹	-۶/۱۳	۹/۴۳	مانا
IM$	-۳/۹۶	-۳/۹۳	۱۰/۵۴	مانا	-۴/۰۹	-۵/۳۲	۸/۵۹	مانا

منبع: یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار ایویوز

(اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره احتمال است).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

مابین متغیرهای نامانا مربوطه آزمون همجمعی با وقفه بهینه ۳ صورت گرفت و نتایج بر اساس شاخص‌های حداکثر مقادیر ویژه و آزمون اثر دال بر وجود بردار بلند مدت مابین متغیرهای نامانا بود که بر این اساس نگرانی در حوزه بروز رگرسیون کاذب وجود نخواهد داشت.

پس از اطمینان از مانایی داده‌های تحقیق اقدام به برآورد مدل بر اساس روش 3SLS نمودیم.

معادله عرضه کل:

PGDP = 35.92 + 0.023 EXR + 0.098 BQR - 0.034 GDP + 0.706 PGDP(-1) + 0.016 GDP(-1)
t: (4.67) (8.88) (7.77) (-3.75) (7.55) (5.85)

معادله اشتغال:

EMP = 4356.22 - 2197.11 LIQ0 + 109.09 SST + 0.024 GDP + 28.88 W -135.12D90
t: (8,66) (-1.93) (1.07) (7.94) (4.73) (-2.97)
+ 0.923 EMP(-1) »»» t: (8.96)

معادله مصرف:

CU = 42845.86 + 1276.36 +TREND + 0.796 YD + 44835.19 LIQ0 - 734.08 DUM88
t: (10.37) (12.22) (5.74) (7.15) (-7.21)

معادله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی:

IP = 19823.34 LIQ0 - 816.73 SST + 47.884 GDP0 + 0.863 G - 6738843.83DPGDP
t: (1.83) (-1.46) (7.134) (4.95) (-4.75)
+ 0.753 IP(-1) - 0.563 G(-1) + 279.932 DUM2008
t: (23.25) (-7.35) (1.75)

معادله صادرات غیرنفتی:

XNO$ = - 13.22 + 0.064 ((EXR*CPI_OECD)/CPI) + 0.072 Y_OECD - 0.57 DUM10
t: (-8.55) (7.29) (8.12) (-12.11)
+ 0.35 XNO$(-1) - 0.0089 (EXR(-1)*CPI_OECD(-1))/CPI(-1) - 0.193 DUM2008
t: (3.86) (-5.63) (-2.345)

معادله واردات:

IM$ = 7.75065e-05 EXPND - 0.0363 ((EXR*CPI_OECD)/CPI) + 0.3901 IM$(-1)
t: (8.222) (-7.98) (7.664)

معادله نقدینگی:

LIQ0 = 0.478 – 1.666434e-10 BD + 0.023 R - 0.032 SST + 0.406 RRE1

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

t: (7.33) (-6.597) (1.83) (-0.24) (3.2)
+ 0.184 DUM92 - 0.082 DUM87 + 0.285 INF - 0.116 R(-1) - 0.743 LIQ0(-1) + 0.053 DUM88
t: (8.17) (-12.22) (1.84) (-4.163) (-8.44) (5.73)

جهت آزمون معنی‌دار بودن ضرایب در سیستم معادلات هم‌زمان، از آزمون t استفاده می‌شود. سایر معیارهای خوبی برازش رگرسیون از قبیل ضریب تعیین، آماره F، خطای استاندارد و غیره در سیستم معادلات هم‌زمان به دلیل ارتباط اجزای خطای معادلات کاربرد زیادی ندارند. طبق نتایج برآورد شده مدل، آماره t نشان می‌دهد که به جز برخی از ضرایب تمامی ضرایب مدل معنادار بوده و از اعتبار آماری برخوردار است. ضرایبی که معنی‌دار نشده‌اند شامل ضریب liq0 در معادله اشتغال، ضریب SST در معادلات اشتغال، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نقدینگی r و inf در معادله نقدینگی می‌باشد. همچنین در رابطه با علامت ضریب GDP و وقفه اول آن در معادله عرضه کل گفتنی است که هرچند ضریب این متغیر منفی است، اما ضریب وقفه آن یعنی GDP(-1) به لحاظ قدرمطلق بزرگ‌تر است و لذا نشان دهنده وجود رابطه بلندمدت مثبت میان GDP و شاخص تعدیل‌کننده ضمنی قیمت است. متغیرهای مجازی وارد شده در معادلات الگو نیز با توجه به شکست‌ها و تغییر روندها آورده شده است. به عبارتی دیگر در فصول مختلف در روند برخی متغیرهای مورد مطالعه در سال‌های مختلف تغییراتی اتفاق افتاده است. متغیر مجازی یک وضعیت کیفی یا یک تغییر کیفی را توصیف می‌کند که قابل اندازه‌گیری به صورت کمی نیست. برای شناساندن این تغییرات به نرم‌افزار مورد استفاده و الگوی اقتصاد سنجی ضروری است از متغیرهای مجازی استفاده شود. به عنوان مثال در رابطه با متغیر مجازی DUM2008 تفسیر و توجیه به بحران مالی سال ۲۰۰۸ مربوط است که صادرات دلاری کشور را تحت تأثیر قرار داده است. متغیر مجازی D90 به دلیل شکست در روند متغیر اشتغال از سال ۹۰ وارد مدل شده است. پس از اینکه ضرایب معادلات در الگوی معادلات هم‌زمان برآورد شد، باید ارتباط متقابل بین متغیرها تحت یک الگوی شبیه‌سازی را در نظر گرفت. شبیه‌سازی در اصل راه‌کاری است که از طریق آن قدرت پیش‌بینی و اعتبار الگوی برآورد شده سنجیده می‌شود و ارتباط منطقی بین متغیرهای الگو را نمایش می‌دهد. در الگوی معادلات هم‌زمان اتحادها نیز به عنوان پل‌های ارتباطی بین معادلات

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

ساختاری الگو عمل می‌کنند. بر اساس نتایج مشاهده می‌گردد که توسعه موسسات مالی نتوانسته است موجب تخصیص بهینه تسهیلات و بسیج منابع در راستای بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی باشد؛ عدم نظارت دقیق بانک مرکزی بر فعالیت این موسسات و پرداخت نرخ بهره‌های بالا توسط این منابع جهت جذب سپرده موجب افزایش ناترازی در ترازنامه سیستم بانکی و افزایش سطح شکنندگی سیستم پولی و مالی کشور گردیده است، ورود بانک مرکزی جهت ادغام موسسات مالی با بانک‌های دولتی دلایلی دال بر بیانگر این واقعیت است. موسسات مالی با ایجاد جنگ نرخ بهره بدون توجه به تناسب ظرفیت‌های موسسه و عدم رعایت نمودن نسبت‌های توانگری و کفایت سرمایه موجبات بی‌ثباتی و عدم تخصیص بهینه منابع به بخش‌های اقتصادی (به علت عدم نظارت بانک مرکزی بر فعالیت موسسات مالی) شده است. از سوی دیگر پر بازده بودن بازارهای موازی ارز، مسکن، طلا موجب جریان یافتن نقدینگی موسسات مالی به سمت این بازارها و افزایش سوداگری در این بازارهای موازی گردیده است و این امر موجب انحراف نقدینگی به سمت این بازارها گردیده است.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که گسترش و شکل‌گیری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی اثر معناداری بر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نداشته است. به عبارتی این دسته از بانک‌ها که با هدف کمک به اشتغال، تولید و سرمایه‌گذاری شکل گرفته‌اند، نتوانسته‌اند از طریق مکانیزم تحریک و توسعه نقدینگی و همچنین مکانیزم تخصیص بهینه اعتبارات در نیل به این اهداف گفته شده موفق باشند. به عبارتی دیگر هرچند در دوره مورد مطالعه واگذاری مالکیت بانک‌ها به بخش غیردولتی گسترش یافته است و حرکت در راستای کاهش نقش دولت در اداره بانک‌ها انجام شده است، اما با این حال بر نارسایی‌های تأثیرگذار بر کارایی و عملکرد بانک‌ها توجهی نشده است. مسائلی از قبیل نظارت صحیح بر عملکرد بانک‌ها در نحوه اعتباردهی، واگذار حوزه‌های تصمیم‌گیری به بانک‌ها و عدم دخالت چشم‌گیر دولت از این قبیل مسائل هستند. از طرفی در بررسی میزان سپرده نزد بانک‌ها و مقایسه آن با میزان تسهیلات اعطا

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

شده توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی مشاهده می‌شود که این دسته از بانک‌ها به نسبتی که سپرده دریافت کرده‌اند، تسهیلات کم‌تری اعطا کرده‌اند که نشان از بی‌نظمی و بهینه نبودن در فعالیت‌های مالی این دسته از بانک‌ها دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قاعده‌گذاری مناسبی بر حجم کلی خلق پول و کیفیت تخصیص آن به مصارف تولیدی متغیری کلیدی در اثربخشی غیردولتی شدن بانک‌ها است که باید رصد و کنترل شود. حجم اعتبارات (مکانیسم اثر نقدینگی) و مهم‌تر از آن، شیوه تخصیص اعتبار (اثر تخصیصی)، است که می‌تواند متغیرهای تولیدی اقتصاد را تحریک کند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شکل‌گیری بانک‌های غیردولتی و همچنین واگذاری بانک‌های دولتی که با هدف رشد اقتصادی صورت گرفته است در عمل با توفیق همراه نبوده است. این در حالی است که مبانی نظری و مطالعات و تجربیات متعدد نشان می‌دهد که کاهش نقش و دخالت دولت در مدیریت بانک‌ها منجر به کارایی و افزایش رشد اقتصادی در اقتصاد می‌شود. لذا با توجه به این نکات می‌توان پی برد که بانک‌های غیردولتی در ایران از وظیفه اصلی خود که هدایت اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی است دور شده‌اند که این می‌تواند ناشی از نبود نظارت کافی بر فعالیت بانک‌ها، سودآوری پایین فعالیت‌های تولیدی و فراهم نبودن بستر فعالیت‌های تولیدی در ایران باشد. بنابراین توصیه می‌شود که اولاً، تحول لازم در نظام بانکی جهت هدایت تسهیلات به سمت تولید انجام شود. ثانیاً، بر نحوه تسهیلات‌دهی بانک‌ها در ایران نظارت کافی شود و همچنین ضوابط و قوانین دقیق‌تر و شفاف‌تری برای نحوه اعطای تسهیلات بانک‌ها تعریف شود.

از آنجایی که نظام بانکی و غیردولتی شدن بانک‌ها بنابر مبانی نظری و تجربیات جهانی نقش مهمی در هدایت و تخصیص اعتبار به فعالیت‌های تولیدی را بر عهده دارد برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود که موضوعاتی از قبیل نحوه هدایت صحیح اعتبار به سمت فعالیت‌های تولیدی با نگاه به کاهش نقش دولت در مدیریت بانک‌ها مورد مطالعه قرار گیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

یکی از محدودیت‌های اصلی پژوهش حاضر نبود داده‌های فصلی مورد نظر در زمینه متغیرهای موردنیاز برای پژوهش بوده است. با توجه به اینکه داده‌ها موردنیاز در ایران برای مطالعات اقتصادی در اغلب موارد از بانک مرکزی ایران به دست می‌آید، در مراجعات به سایت بانک داده‌های ناهمگن هم از نظر تواتر موردنیاز و هم از نظر سال پایه‌های متفاوت به دست می‌آمد. در برخی موارد نیز برخی از داده‌های موردنیاز برای بازه زمانی بسیاری کوتاهی در دسترس بود.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش که به دلیل نبود داده وجود داشت، ساخت معیار و شاخص مناسب برای اثرگذاری بانک‌های غیردولتی بوده است که به دلیل محدودیت اطلاعات لازم در زمینه آمارهای بانکی، ایجاد یک شاخص کامل را ناممکن ساخته است.

منابع

ابوتربی، محمدعلی (۱۳۹۴). «اثر مالکیت دولتی بانک‌ها بر رابطه علی توسعه مالی- رشد اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال پانزدهم زمستان ۱۳۹۴ شماره ۴، صص ۱۲۶-۹۹.

احمدلو، فرشته (۱۳۹۲). *مقایسه تأثیر تأمین دولت از طریق افزایش نرخ ارز و استقراض از بانک مرکزی بر تولید و تورم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

باقری، سیده فاطمه؛ نظریان، رافیک؛ هادی‌نژاد، منیژه و مرجان دامن کشیده (۱۴۰۱). «تأثیر شاخص‌های کلان بانکی، مالی، اقتصادی بر ادوار تجاری ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه اسلامی و توسعه یافته»، *اقتصاد مالی*، دوره ۱۶، شماره ۵۹، صص۳۰۳-۳۲۴.

توتونچی ملکی، سعید (۱۳۸۵). *اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.

خارقانی، ندا (۱۳۸۳). *نقش مؤسسات مالی و اعتباری در رشد اقتصادی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.

خانزاده، یاور (۱۳۹۴). «تأثیر مؤسسات بانکی و غیر بانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران»، *فصلنامه مدل‌سازی*.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

داوودی، پرویز؛ حسین صمصامی (۱۳۸۸). *اقتصاد پول و بانکداری*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.

صفری، سعیده و رافتی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر حجم سپرده‌های بانک‌های خصوصی منتخب در ایران». *فصلنامه اقتصاد مالی*، سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۲۱۶-۱۹۹

عناصری، کامران (۱۳۸۹). *مطالعه تطبیقی ساختار مقررات تأسیس، نظارت، حدود فعالیت و آثار اقتصادی مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در ایران و مالزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی بانکداری.

فراهانی‌فرد، سعید؛ فشاری، مجید و یاور خانزاده (۱۳۹۴). «تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم یافته GMM)». *فصلنامه علمی مدلسازی اقتصادی*، ۹(۳۱)، صص ۲۱-۴۱.

کمیجانی، اکبر؛ دائی، بابک و مهری رحیمی‌فر (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

محقق‌نیا، محمدجواد و بایی دهقان دهنوی (۱۳۹۷). «تأثیر عوامل درونی و بیرونی صنعت بانکداری بر ریسک اعتباری بانک‌ها در ایران». *فصلنامه اقتصاد مالی*، سال سیزدهم، شماره ۴۶، صص ۱۴۴-۱۲۷.

مومنی، قرشاد؛ شاکری، عباس؛ طاهرپور، جواد و بهنام عزتی اختیار (۱۴۰۰). «تحلیل تأثیرپذیری عملکرد اقتصادی ایران از فعالیت بانکهای خصوصی»، *اقتصاد مالی*، شماره ۱۵، صص ۱-۲۲.

همتی، عبدالناصر (۱۳۸۷). *نقش مؤسسات مالی و اعتباری در اقتصاد*، انتشارات بانک و بیمه.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]

Aloqool M., Okab R. and M. Basayreh (2014). "Financial Islamic banking development and economic growth: A case study of Jordan". *International Journal of Economics and Finance*, 6(3),72-79. https://doi.org/10.5539/ijef.v6n3p72.

Berger A.N., Clarke G.R., Cull R., Klapper L., Udell (2004). "Corporate Governance and Bank Performance: A joint Analysis of the Static, Selection and daynamic Effects of Domestic, foreign and state ownership". *journal of banking and finance*, No.29, pp.2179-2221.

Bhattacharya A., Lovel C.A.K., P. Sahay (1997). "The Impact of Liberalization on the Productive Efficiency of Indian Commercial Banks". *European journal of operational research*, No 98.

Bonin J., Hasan I. and P. Wachtel (2002). "Ownership Structure and Bank Peformance in the Trasition Economices of Centeral and eastern Europe: A preliminary report". New york university.

Burianova L. and J. Paulik (2014). "Corporate Social Responsibility in Commercial Banking – A CaseStudy from the Czech Republic". *Journal of Competitiveness*, 6(1),50-70. https://doi.org/10.7441/joc.2014.01.04

Gylfason T. and M. Radetzki (1991). "Does Devaluation make Sense in the least developed countries?". *Economic Development and Cultural Change*, 40(1), 1-25.

La Porta R., Lopez-de-silanes F. and A. Shlefer (2002). "Ggovernment ovnership of banks". *journal of finance*, No. 57.

Levin Andrew, Chien-Fu Lin and James Chu (2002). "Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite Sample Properties", *Journal of Econometrics*, No108.

Levine Ross (1997). "Financial development and economic growth: Views and Agenda", *Journal of econimics literature*, Vol.35, pp.688-726.

Nguyen Phuc Tran. (2022). "The Impact of Banking Sector Development on Economic Growth: The Case of Vietnam's Transitional Economy". *Journal of Risk and Financial Management.* 15: 358. https://doi.org/10.3390/jrfm15080358

Nadiya Rushchyshyn, Olha Mulska, Yuliia Nikolchuk, Mariia Rushchyshyn and Taras Vasyltsiv (2021). "The Impact of banking Sector Development on Economic Growth: Comparative analysis of Ukraine and some EU countries". *Investment Management and Financial Innovations*, 18(2), 193-208.

Vasyltsiv T.G. and S.V. Cherkasova (2016). "The Influence of Nonbanking Institutional Investor'sAactivity on National Financial Services Market Development". *Actual Problems of Economics*, 176(2), pp.252-260.

Yasynska N., Syrmamiikh I. and O. Penez (2021). "Monitoring the Financial Security of the Ukrainian Banking Sector in the Context of System-deterministic challenges". *Banks and Bank Systems*, 16(2),12-26. https://doi.org/10.21511/bbs.16(2).2021.02.

Zetzsche D. A., Arner D.W., Buckley R.P. and R.H. Weber (2019). The Future of data-Driven Finance and RegTech: Lessons from EU big bang II (EBI Working Paper Series, no. 35). Retrieved from http://www.fin-reg.uzh.ch/dam/jcr:541d7562-6698-4143-8ad6-1676f8c30745/ssrn-id3359399.pdf

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.104.117]